**بسمه تعالی**

**آیا افزایش جمعیت موجب نگرانی از آینده می شود یا سوء مدیریت؟**

مسعود عالمی نیسی[[1]](#footnote-1)

روزنامه دنیای اقتصاد در شماره 3097 به تاریخ چهارم دی ماه 1392، با جناب آقای دکتر محمد جلال عباسی شوازی مصاحبه ای با عنوان «[الزامات تدوين طرح جامع جمعيت](http://www.donya-e-eqtesad.com/news/775082/)» درج نمود. مواضع ایشان در خصوص امر جمعیت به عنوان استاد جمعیت شناسی دانشگاه تهران و رییس انجمن جمعیت شناسی آسیا از اهمیت دو چندان برخودار بوده و مورد توجه و دقت بسیاری از خوانندگان قرار می گیرد. از این رو نقد و بررسی این مواضع و در صورت لزوم تصحیح و تکمیل آنها می تواند در جهت گیری سیاستهای جمعیتی کشور مؤثر واقع شود. از این رو این مطلب با هدف نقد فرازهایی از این مصاحبه برای خوانندگان تهیه شده است. در این مطلب، پس از نقل قول هر فراز، نقد آن آورده شده است.

**محور اول: اعتماد به پیش بینی های آینده جمعیت**

**نقل قول:** *پیش‌بینی‌های کوتاه‌مدت (تا 10 سال) در صورتی که بر مبنای فرضیات واقعی استوار باشند، می‌توانند قابل اعتماد باشند؛ ولی پیش‌بینی‌های طولانی مدت به‌ویژه برآوردهایی که برای 30 سال تا 100 سال آینده ارایه می‌شوند، کمتر قابل اعتمادند. دلیل این است که کسی نمی‌تواند رفتارهای باروری نسل آینده را پیش‌بینی کند. علاوه‌بر آن، رفتارهای باروری و مرگ و میر و حتی مهاجرت در کشورها به عوامل مختلفی بستگی دارد. خیلی ساده لوحانه است که کسی بگوید چون سازمان ملل این پیش‌بینی‌ها را ارایه داده است، پس این پیش‌بینی معتبر است*

**پاسخ:** اصولاً پیش بینی، حتی در شاخه های علوم طبیعی نیز می توانند حدی از اطمینان و اعتماد را تأمین کند. دقیق ترین پیش بینی ها در زمینه علوم هواشناسی انجام می شود، اما باز هم شاهد بروز خطا در آن هستیم. آیا به این دلیل نباید پیش بینی و اقدام مبتنی بر آن انجام داد؟! در علوم اجتماعی نیز وضع به همین منوال است و تنها تفاوت آن در درجه دقت و اطمینان است، اما باز هم باید پیش بینی و برنامه ریزی لازم را انجام داد.

نکته دوم آن است که پیش بینی مبتنی بر داده ها، اطلاعات و تحقیقات موجود انجام می شود و انجام پیش بینی ای دقیق تر ورای این اطلاعات ممکن نیست. بنابراین اگر ادعا می شود که این اطلاعات دقیق یا کافی نیستند، از دو حال خارج نیست؛ یا در حال حاضر می توان اطلاعات دقیق تر یا تکمیلی را جمع آوری کرد یا خیر. در حالت اول باید آنها را جمع آوری نموده و ارایه کرد و تنها به ادعای غیرقابل اعتماد بودن داده ها کفایت نکرد. در حالت دوم، باید به امکانات و توانایی موجود تکیه کرد و به طور نسبی پیش بینی و برنامه ریزی نمود تا امکان اطلاعات دقیق تر و کافی در آینده فراهم شود. برنامه ریزی امری صفر و یکی نیست تا آن را به فراهم آمدن دقیق ترین اطلاعات موکول کنیم. بلکه برنامه ریزی نیاز مستمر جامعه است که می بایست مبتنی بر توانایی ها و امکانات روز انجام شود.

**نقل قول:**  *آینده جمعیت کشورها به عوامل مختلفی از جمله ساختار جمعیت، تعداد سال‌هایی که جمعیت باروری پایین‌تر از حد جانشینی را تجربه کرده و نیز سطح باروری بستگی دارد. برای روشن شدن مساله اجازه دهید مثالی بزنیم. به عنوان نمونه، کشور فرانسه در بین سال‌های 1980-1975 به باروری پایین‌تر از حد جانشینی رسید، رشد جمعیت فرانسه هم منفی (4/0 -)، و میزان باروری کل دراین کشور نیز حدود 8/1 فرزند است. اگر باروری و رشد جمعیت در همین سطح باقی بماند بر مبنای فرمول‌های جمعیت‌شناسی حدود 196 سال (یعنی 2 قرن) طول می‌کشد که جمعیت فرانسه به نصف تقلیل یابد.  کشور سوئد طی سال‌های 1975-1970 به باروری پایین‌تر از حد جانشینی رسید و میزان باروری کل این کشور در حال حاضر حدود 6/1 است و رشد جمعیتش نیز منفی (8/0- درصد) است. اگر رشد جمعیت و باروری در این حد باقی بماند حدود 88 سال طول خواهد کشید که جمعیت سوئد به نصف کاهش یابد. هر چند باید در مورد پیش‌بینی‌های جمعیتی دراز مدت شک کرد، ولی حتی با حساب سر انگشتی مشخص می‌شود که کاهش جمعیت به این سادگی نیست که برخی ادعا می‌کنند و نگران هستند. بنابراین باید توجه داشت که بدون شناخت مسایل و شرایط جمعیتی دچار اشتباه نشویم و به‌راحتی و با قاطعیت در مورد کاهش جمعیت صحبت نکنیم. امروزه از برخی می‌شنویم که مثلا جمعیت ایران در دو دهه آینده به نصف تقلیل می‌یابد و به 30 و حتی 19 میلیون می‌رسد. باید به این افراد گفت اگر شما می‌توانید پیش‌بینی کنید که خود و نیز فرزندان، نوه‌ها، نتیجه‌ها، و نبیره‌هایشان در چه سنی ازدواج خواهند کرد و چند فرزند خواهند داشت و فرزندانشان با چه فاصله سنی به دنیا می‌آیند، آن‌وقت جمعیت‌شناسان هم می‌توانند بر این مبنا برای 100 سال آینده پیش‌بینی جمعیت کنند! کسانی که حرف‌های غیرکارشناسی در مورد جمعیت می‌زنند و با قاطعیت در مورد جمعیت در 100 سال آینده صحبت می‌کنند باید توجه داشته باشند که نسل آینده حرف‌های آنها را مرور می‌کند و از غیرواقعی بودن نظرات آنها تعجب خواهد کرد!*

**پاسخ:** از استاد محترم سؤال می کنیم که پیش بینی شما در مورد آینده کوتاه مدت، میان مدت و طولانی مدت جمعیت ایران چیست؟ این پیش بینی شما بر اساس چه عواملی است؟ و بر اساس چه اطلاعاتی است؟ نقد کلی حرفهای دیگران سودمند نیست و بیان دقیق پیش بینی مورد اطمینان جنابعالی بسیار می تواند کمک کننده باشد.

اما توجه استاد محترم را جلب می کنم که نگرانی اصلی سیاستگذاران و کارشناسان و آنچه سازمان ملل بیان کرده است، کاهش جمعیت نبوده است، بلکه پیر شدن جمعیت است. و این پیر شدن را در دوره میان مدت(حدود 36 سال بعد) بیان کرده است و نه در طولانی مدت. در صفحه 229 این گزارش، میانگین سنی ایران در سال 1950، 21.1 سال، در سال 2000، 20.6 سال و در سال 2050 یعنی 36 سال دیگر، معادل40.2 سال می باشد. یعنی جامعه ای بسیار پیر. (Population Division, 2004, p. 229).

به گفته رییس مرکز آمار ایران، نرخ باروری فعلی ایران 1.8 فرزند به ازای هر زن است (پایگاه خبری بانکداری الکترونیک, 1392). حتی اگر فرض نماییم نرخ باروری برخلاف نظر عده ای از کارشناسان کاهش نیابد و ثابت بماند، وضعیت ساختار سنی جمعیت مطابق نمودار ذیل است که به معنی سالخوردگی جمعیت خواهد بود.

نکته مهم دیگر آن است که مسلماً ما نمی توانیم در مورد عوامل غیرقابل پیش بینی سخنی بگوییم و خود استاد محترم فکر نمی کنم چنین ادعایی داشته باشند. سخن در مورد عواملی است که می دانیم و احتمال می دهیم است و نه آنچه نمی دانیم. و بهترین کاری که می توان در پیش بینی انجام داد، در نظر گرفتن سناریوهای مختلف است. اما حتی همین سناریوها بر اساس آن مواردی است که احتمال می دهیم.

**نقل قول: ...***سیاست‌های جمعیتی به‌صورت بلندمدت تاثیر خود را نشان می‌دهند؛ گرچه نرخ باروری [در چین] از اوایل دهه 1970 به زیر نرخ جایگزینی جمعیت افت پیدا کرده است. که انتظار می‌رود با این نرخ باروری، جمعیت کاهش پیدا کند؛ اما در حال حاضر هنوز هم نرخ رشد سالانه جمعیت چین مثبت است.*

**پاسخ:** پیش بینی ها در ایران حول سالخوردگی می گردد و نه کاهش جمعیت!

**نقل قول:** *برای تهیه طرح زحمات زیادی کشیده شده است و نمایندگان مجلس به دنبال حل مساله جمعیت هستند. پرداختن به این موضوع هم یکی از وظایف آنها است. با این حال، همان‌گونه که عرض کردم طرح جامعی که مسایل جمعیتی را به درستی معرفی کرده باشد برای کشور تهیه نشده است و حداقل بنده و همکارانم از آن اطلاعی نداریم. اگر چنین طرحی پژوهشی انجام شده بود باید در معرض ارزیابی عموم قرار می‌گرفت تا مشخص شود اولا یافته‌های این پژوهش و فرضیات پیش‌بینی‌ها چه بوده است و ثانیا اولویت‌های جمعیتی در حال حاضر کدامند. در حال حاضر طرح مواد مختلفی را برای تشویق افزایش جمعیت در نظر گرفته است و کمتر موادی است که برای پرداختن به سایر جنبه‌های جمعیتی از جمله کیفیت جمعیت توجه کند. بحث اشتغال جوانان، بهبود استانداردهای زندگی، محیط زیست، مهاجران و حتی سالخوردگی در این قانون نادیده انگاشته شده است.*

*ویژگی دیگر این طرح این است که اهداف طرح یا مشخص نیست یا اینکه دستیابی به آن اهداف غیرممکن و بسیار هزینه بر است. مثلا دستیابی به باروری 5/2 فرزند غیرممکن است ولی در طرح بدان اشاره شده است. مواد مختلفی در طرح گنجانده شده که یا ضرورتی ندارند یا اینکه اجرای آنها در حال حاضر امکان‌پذیر نیست. انجمن جمعیت‌شناسی برخی جمعیت‌شناسان تا به حال پیشنهادهایی داده‌اند. باید منتظر بود و دید آیا به این پیشنهادها برای اصلاح طرح استفاده می‌شود یا خیر.*

**پاسخ:** همانطور که بیان شد طرح افزایش جمعیت، باید همراه با یک طرح توسعه کلان باشد و مبتنی بر تحقیقات علمی و این حرف درستی است. اما جای تعجب دارد که استاد محترم چگونه با اطمینان می گویند که رسیدن به نرخ باروری 2.5 فرزند غیرممکن است. بر چه مبنای علمی چنین پیش بینی مطمئنی را انجام می دهند؟ اگر مبانی پیش بینی خود را بیان نمایند می تواند در روشن شدن موضوع کمک باشد.

**محور دوم: ضرورت برنامه ریزی مبتنی بر پژوهش**

**نقل قول:** *ضمن اینکه تغییر سیاست‌های جمعیتی و تعدیل آنها ضرورت است، متاسفانه در سال‌های اخیر بحث‌های جمعیتی به‌صورت غیر کارشناسی ارایه شده و همان‌گونه که قبلا نیز توضیح دادم در مورد مسایل جمعیتی اغراق شده است. تغییر سیاست‌های جمعیتی جدید باید با شناخت درست و کارشناسی از تحولات جمعیتی صورت پذیرد. ممکن است دیدگاه‌های مختلفی در مورد شرایط جمعیتی وجود داشته باشد. اشکالی ندارد که افراد و کارشناسان نظرات مختلفی در مورد جمعیت داشته باشند ولی باید قبل از طراحی سیاست‌ها و صرف هزینه‌های زیاد برای کشور، ابتدا کارشناسان دعوت شوند و نتایج تحقیقاتشان را ارایه کنند و سیاستگذاران پس از استماع نظرات و نتایج تحقیقاتی که به صورت علمی و درست انجام شده، ابتدا مسایل جمعیتی را به‌درستی بشناسد و سپس برای حل آن مسایل برنامه‌ریزی کند. بدیهی است برای شناخت درست یا نادرست بودن نتایج تحقیقات و تحلیل آنها باید از نظرات داوران و متخصصانی استفاده کرد که با علم وتجربه خود توانایی شناخت مسایل و داوری در مورد نتایج تحقیقات را داشته باشند.*

**پاسخ:** نکته بسیار دقیق و مهمی را استاد اشاره کرده اند که می بایست در خصوص برنامه ریزی جمعیت عالمانه سخن گفت و یک طرفه به قضاوت نرفت. یکی از ادعاهای رایج که بسیار به صورت غیر علمی مطرح شده این است که افزایش جمعیت فقر و بیکاری و ... را به همراه خواهد داشت. نشان دادن تنها نمونه ای از داده ها و تحلیل های علمی که از منظری دیگر نگاه کرده اند، ما را به دقت بیشتر در این ادعاها دعوت می کند.

به عنوان نمونه مطالعه ای توسط نگارنده چند سال پیش انجام شد که برخی نتایج آن را عرضه می کنیم. بر اساس آمار موجود از سال 1965 تا 2004 از3.337.974.000 به6.389.272.000 نفر يعني حدود دو برابر رسيده است، با اين وجود سرانه توليد ناخالص ملي جهان از584000 دلار به6462000 دلار يعني حدود ده برابر رسيده است.

افزايش سرانه توليد ناخالص ملي نه تنها در جهان، بلكه براي تك تك كشورها اعم از توسعه يافته و توسعه نيافته، پرجمعيت و كم جمعيت، رخ داده است. لطفاً به نمودارهاي ذيل توجه فرماييد.



درآمد سرانه جهانی

سال

سال



هند

چین

درآمد سرانه ناخالص ملی

سال

سال

آلمان

ژاپن

بریتانیا

آمریکا

درآمد سرانه ناخالص ملی

سال

سال

بنگلادش

بورکینافاسو

هائیتی

مصر

سال

­سال

درآمد سرانه ناخالص ملی

اروگوئه

برزیل

آرژانتین

سال

درآمد سرانه ناخالص ملی

سال

اين آمار نشان دهنده آنست كه با گذشت زمان هر قدر جمعيت كشورها افزايش پيدا كرده باز هم ثروت بيشتري به ازاي هر نفر توليد شده است.

براي آنكه بتوانيم تصوير روشن تري از رابطه جمعيت و سهم هر نفر از توليد ناخالص ملي داشته باشيم، سرانه ناخالص ملي كشورهاي مختلف را در سال 2004 با يكديگر مورد مقايسه قرار داده ايم. محاسبات آماري نشان دهنده آن است كه ضريب همبستگي پيرسون ميان جمعيت و سرانه توليد ناخالص ملي ميان 177 كشور، تنها03/0- مي باشد. يعني جمعيت هيچ تأثيري بر روي ميزان سرانه توليد ناخالص ملي نخواهد داشت.

ضريب همبستگي پيرسون ميان جمعيت و سرانه توليد ناخالص ملي در کشورهای جهان=03/0-

ممكن است برخي خوانندگان باريك‌بين اين اشكال را وارد نمايند كه شاخص سرانه توليد ناخالص ملي، ميانگين ثروت توليد شده است و بي‌عدالتي در توزيع، موجب فقر مي گردد. آشكار است كه بي عدالتي و تبعيض ناشي از سياستهاي غلط مي باشد، اما آيا جمعيت بيشتر، موجب نابساماني در سياستها و تبعيض خواهد شد؟

بر اساس محاسبات آماري ضريب همبستگي پيرسون ميان جمعيت و ضريب جيني(GINI) به عنوان شاخص نابرابري در سال 2004، 0004/0 مي باشد، يعني واقعاً هيچ رابطه اي ميان جمعيت و نابرابري هاي موجود در كشورها وجود ندارد.

ضريب همبستگي پيرسون ميان جمعيت و ضریب Gini در کشورهای جهان=0004/0

يكي ديگر از نگراني هاي موجود در افزايش جمعيت موضوع اشتغال مي باشد، ضريب همبستگي پيرسون ميان جمعيت و ميزان بيكاري كشورها در سال 2004، 08/0- مي باشد. يعني آنكه ميان جمعيت و بي كاري رابطه اي وجود ندارد و حتي اگر اين مقدار رابطه بسيار ضعيف را در نظر بگيريم، منفي مي باشد. يعني هر قدر جمعيت كشورها افزايش پيدا كرده، ميزان بيكاري در آنها كاهش يافته است.

ضريب همبستگي پيرسون ميان جمعيت و اشتغال در کشورهای جهان= 08/0-

نتيجه آنكه برخلاف تصور موجود افزايش جمعيت هيچ تأثيري بر روي ميزان سهم هر كس از ثروت ملي توليد شده، نابرابري اقتصادي در جامعه و حتي اشتغال ندارد. و این به معنای ؟آن است که حداقل در ادعای تأثیر منفی جمعیت بر رفاه اقتصادیقدری باید درنگ و تأمل کرد.

بنابراین همانطور که آقای دکتر عباسی گفته اند، می بایست با نگاهی عالمانه تر و تحقیقی تر به این موضوع نگاه کرد.

**نقل قول:** *اولا باید توجه داشت که دولت‌ها باید همواره نقشی در تدوین، اعمال و تغییر سیاست‌های جمعیت داشته باشد. با توجه به اینکه سیاست‌های جمعیتی هزینه‌بر است، امکان ندارد سیاست‌های جمعیتی بدون حضور و حمایت دولت انجام شود. منتها باید در نظر داشت که دولت‌ها همواره باید نقش تسهیل‌کننده داشته باشند و اجرای قوانین و مقررات و نیز تغییر رفتارها را به خود مردم واگذار کنند. اگر سیاست‌ها در جهت پاسخ به نیازهای مردم طراحی نشوند و به‌صورت دستوری و از بالا به پایین دیکته شوند، محکوم به شکست خواهند بود. تنها با همکاری و همفکری و همدلی مردم است که سیاست‌های امکان موفقیتشان بالا می‌رود. نکته مهم دیگر این است که مسایل جمعیتی را نمی‌توان و نباید سیاسی و امنیتی کرد یا اینکه نباید تنها از دریچه سیاسی و امنیتی به مسایل جمعیتی نگاه کرد. مردم رفتارهای باروری خود را با توجه به آگاهی و شناختشان از مسایل جمعیتی و اجتماعی برنامه‌ریزی می‌کنند. شرایط اقتصادی نیز رفتارهای آنها را تعدیل می‌کند. درست نیست که گفته شود رفتار باروری مردم تابع برنامه‌های غرب و دشمن است یا اینکه از آن طرف بخواهیم برنامه‌های جمعیتی را برای مقابله با دشمن طراحی کنیم. سیاست‌هایی موفق خواهند بود که برای تامین نیازمندی‌های مردم و جمعیت طراحی شوند و در راستای اهداف توسعه و بهبود کیفیت زندگی مردم باشند. در غیر این‌صورت، مردم ابزاری نخواهند بود که با فرزندآوری تعداد جمعیت را برای مقابله با دشمن افزایش دهند.*

**پاسخ:** اینکه موفقیت سیاستگذاری اجتماعی منوط به همراهی مردم است و همراهی مردم نیز به شرط همسو بودن سیاست ها با نیازهای آنهاست، حرفی درست و دقیق است. اما این سؤال وجود دارد که نیاز مردم چیست؟ آیا نیاز مردم کاهش جمعیت است؟ آیا به سرعت می توان نتیجه گرفت که توسعه به مانند قرص نان است که هر چه جمعیت بیشتر می شود، سهم هر نفر کمتر می شود؟ آیا این دیدگاه صحیح است که اگر جمعیت افزایش پیدا کند، فقر و بیکاری افزایش پیدا می کند؟

همانطور که مطالعه فوق نشان می دهد رفاه اقتصادی اصولاً با جمعیت رابطه معنی داری ندارد. و این به معنای آن است که افزایش جمعیت مانع توسعه نیست. آنچه مانع توسعه است بی تدبیری و مدیریت غلط است. اگر فقر و بیکاری وجود دارد، عامل آن جمعیت نیست، بلکه عامل آن سوء مدیریت است. هیچ کشوری مشکلات اقتصادی خود را با کاهش جمعیت حل نکرده است.

بلکه بالعکس اگر ما به دنبال توسعه و رفاه بیشتر هستیم، نیازمند جمعیت بیشتر هستیم. توسعه علمی، توسعه اقتصادی، توسعه صنعتی، توسعه کشاورزی نیازمند نیروی انسانی متخصص بیشتر است و تربیت این نیروی انسانی بیشتر به جمعیت پایه بیشتر نیازمند است. به عنوان نمونه از شاخص های توسعه نهاد علم تعداد بیشتر مقالات و کتابهای منتشر شده است که نیازمند تعداد بیشتر نیروی علمی در سطح آموزش و پژوهش می باشد. در سال 2008 تعداد مقالات و کتابهای علمی منتشر شده ایران 10894 عنوان بوده در حالی که در کشور آمریکا در همان سال 272879 عنوان منتشر شده بود. یعنی در آمریکا عناوین منتشر شده علمی، حدود 25 برابر ایران بوده است. حال اگر بخواهیم به لحاظ نیروی انسانی دانشگاهی که بخشی از تولیدکننده مطالب علمی است، این دو کشور را مقایسه کنیم، کشور ما بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در سال تحصیلی 1389-90 دارای ١٢٥٥٧٦ نفر هیأت علمی تمام وقت، پاره وقت و حق التدریسی است (آموزشگران دانشگاهي(كادر آموزشي) تمام‌وقت و پاره وقت دانشگاه‌ها و مراكز آموزش عالي برحسب جنس, 1389). آمریکا کشوری است که دارای 1267700 استاد در سطوح آموزش عالی می باشد. 96 درصد این اساتید که در دانشگاهها و کالجها هستند یعنی 1216992 نفر را مبنا قرار می دهیم. (Postsecondary Teachers, 2014-15 Edition) در این صورت تعداد هیأت علمی دانشگاهیان حدود ده برابر ایران است. اگر ما بخواهیم حتی به یک چهارم این مقدار برسیم، یعنی عدد هیأت علمی به 304248 برسد، در آن صورت جمعیتی که در سایر مشاغل باید به هیأت علمی خدمات بدهند، با فرض ثابت بودن سطح فناوری های تسهیل کننده، باید به همان نسبت یعنی 2.5 برابر افزایش یابد. به عبارت دیگر بر اساس نظریه تقسیم کار، تعداد نانوایان، کارگران، پزشکان، معلمان و اصحاب سایر مشاغلی که به آنها خدمات می دهند به نسبت دو و نیم برابر باید افزایش یابد. این موضوع در خصوص سایر ابعاد توسعه نیز مصداق دارد و بالا رفتن سطح توسعه نیازمند افزایش جمعیت در سطح پایه است.

به بیان ویمن (Weimann, 1994) همواره تنها نسبت معینی از جامعه(حدود 5% الی 10%) جمعیت یک جامعه، در سطح بالاتری از درک و دریافت تغییرات و به بیان ما نخبگان فکری جوامع هستند و این تصور در مورد جمعیت غلط است که تمام جمعیت موجود، نخبه شوند. نسبت جمعیت و نخبگان مانند نسبت شیر و خامه است؛ برای استحصال خامه بیشتر، نیاز به شیر بیشتر است. یعنی این سخن که جمعیت کمتر و با کیفیت تر داشته باشیم و همه آنها نخبه شوند چندان صحیح نیست. همیشه 5 الی 10 درصد جمعیت موجود نخبه می شوند و لذا برای رسیدن به تعداد نخبگان بیشتر به جمعیت بیشتر نیازمندیم.

**محور سوم: سیطره بیست ساله رویکرد تنظیم خانواده**

**نقل قول:** *متاسفانه، در سال‌های اخیر عده محدودی که دیدگاه خاصی در مورد مسایل جمعیتی داشته‌اند هم به عنوان متخصص، هم به عنوان داور و هم به عنوان سياستگذاربه‌کار گرفته شدند و میدان دار بحث‌های جمعیتی شدند. این عده هم مسوولیت اجرایی و امکانات و بودجه را در اختیار داشته‌اند، هم به مراکز تصمیم‌گیری راه داشته‌اند، صدا و سیما نیز عمدتا در اختیار این عده بوده است. در مقابل، بقیه و شاید اکثریت کارشناسان که کار تحقیقی کرده‌اند یا شناختی نسبت به مسایل جمعیتی دارند به درستی به‌کار گرفته نشدند، حتی اگر این افراد از سر دلسوزی و بر مبنای وظیفه ملی و رسالت حرفه‌ای مطالبی ارایه کرده‌اند، به عنوان مخالف سیاست‌های جمعیتی و تغییرات سیاست‌های جمعیتی قلمداد شدند. به‌دلیل اینکه داوری و مسوولیت و اجرا و حتی قانون‌گذاری در دست افراد محدود و موافق با افزایش جمعیت بوده است، سایر دیدگاه‌ها در شناخت مسایل جمعیتی نادیده انگاشته شده و برنامه‌ریزی برای تغییر سیاست‌ها نیز به‌صورت شتابزده و یک‌جانبه انجام شده است.*

**پاسخ:** توجه استاد محترم را به این موضوع جلب می کنم که سیاستهای کنترل جمعیت در سال 1368 به تصویب هیأت وزیران رسید (پایگاه اطلاع رسانی حوزه, 1386) و تا چندی پیش و برخی از آنها تاکنون اجرا می شده اند. و تنها از تاریخ مرداد ماه 1391 که مقام معظم رهبری در خصوص جمعیت سخن گفتند در حیطه اجرا جدی تر به این موضوع پرداخته شد. والا قبل از آن سخنان رییس جمهور وقت در حد شعار باقی ماند و تنها اقدام عملی وعده یک میلیون تومان به ازای هر فرزند بود که آن هم عملی نشد. بنابراین نه تنها زمان زیادی در حد سالهای اخیر از جدی شدن این موضوع نگذشته، بلکه بالعکس از دهه 70 تاکنون تمامی امکانات رسانه ای، آکادمیک، پژوهشی و اجرایی در اختیار دیدگاه موافق کاهش نرخ باروری بوده است.

**محور چهارم: حل معضلات کشور از طریق مدیریت بهتر و نه کاهش جمعیت**

**نقل قول:** *بحث جمعیت و قدرت حرف تازه‌ای نیست و برخی افزایش جمعیت را معادل قدرت سیاسی می‌دانند و برای روشن شدن هدفشان از چین و هند مثال می‌زنند. بر این مبنا، اعلام می‌کنند که اگر تعداد جمعیت جوانان کم شود، با کمبود سرباز مواجه می‌شویم. به ظاهر هم این حرف درستی است. منتها باید سوال کرد آیا داشتن جمعیت جوان تحصیلکرده که بیکار است و دغدغه‌های زندگی دارد و برخی از آنها مبتلا به انواع مسایل اجتماعی هستند هم نماد قدرت خواهند بود؟ باید در نظر داشت که حتی اگر فکر کنیم که اگر پادگان‌های ما مملو از سربازانی باشند که از زندگی خود ناراضی باشند و به آینده خود اطمینان نداشته باشند، چنین سربازانی نمی‌توانند از وطن و میهن خود به درستی دفاع کنند. حال آنکه، اگر در جامعه جمعیتی جوان و تحصیلکرده و باسواد داشته باشیم که متفکر و تولیدکننده باشند، چنین افرادی می‌توانند به امنیت و پیشرفت جامعه کمک کنند و حتی در عرصه بین‌المللی افتخارآفرین باشند. منظور این است که به جای تعداد جمعیت جوان باید به کیفیت سرمایه انسانی هم اندیشید. سرمایه انسانی کشور ایران کم نیست، ولی متاسفانه از این سرمایه انسانی به درستی استفاده نمی‌شود. همین مساله می‌تواند در جهت خلاف امنیت ملی کشور عمل کند.*

*موضوع کیفیت نیروی انسانی جمعیت به ویژه جوانان و سالمندان چگونه باید در برنامه‌های جمعیتی مورد توجه قرار گیرد؟*

*علاوه‌بر تعداد و رشد جمعیت، باید شاخص‌های بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی، مسکن، اشتغال، محیط‌زیست و سایر شاخص‌های رفاهی جمعیت نیز مورد توجه قرار گیرند. نمی‌توان صرفا تاکید کرد که تعداد جمعیت یا تعداد جمعیت جوان در دهه‌های آینده کاهش می‌یابد و بر وضعیت زندگی جمعیت جوانان توجهی نداشت. کمتر در بحث‌های مطرح شده به وضعیت اشتغال و بیکاری جوانان پرداخته می‌شود. چند درصد از جوانان بیکارند؟ چقدر از شاغلان به کارهای مورد علاقه خود و در حیطه تخصص خود اشتغال دارند؟ وضعیت سلامت روحی و روانی جوانان و سالخوردگان و زنان و مردان چگونه است؟ مهم‌تر از آن، چه درصدی از جوانان یا به‌طور کلی جمعیت روزانه مطالعه دارند؟*

*اینکه فقط به سبد غذایی جمعیت توجه کنیم و به سایر نیازهای فرهنگی و رفاهی جمعیت توجه نداشته باشیم، به معنی این است که از پرورش استعدادها و استفاده از سرمایه‌های انسانی جمعیت غافل مانده‌ایم. برخی فقط به یک بعد از نیازهای زندگی جوانان توجه دارند و فقط از آنها می‌خواهند برای نجات مملکت از رشد منفی جمعیت و سالخوردگی فرزندآوری کنند. چنین دیدگاهی همانند باغبانی است که فقط از درخت گل و میوه می‌خواهد بدون اینکه به سایر نیاز‌های درختان و باغ توجهی کند. جوانان دوران پیچیده و سختی را می‌گذرانند که نیاز به حمایت در همه زمینه‌ها دارند.*

*هزینه‌های زندگی، هزینه‌های ازدواج از جمله هزینه فرزندآوری و تحصیلات فرزندان، هزینه مسکن، خودرو و سایر تسهیلات زندگی به اندازه‌ای افزایش یافته است که جوانان با در نظر گرفتن شرایط و محاسبه هزینه و درآمد خود از ازدواج و تحمل هزینه‌های زندگی پرهیز می‌کنند.*

**پاسخ:** البته حتماً برای جمعیت بیشتر باید برنامه توسعه کلان تر داشت، زیرا بهره گیری صحیح از جمعیت نیازمند برنامه ریزی توسعه در بخشهای مختلف جامعه است. اما اینکه کاهش جمعیت منجر به بهبود اوضاع کنونی می شود نیز غلط و بی پایه است.

همانطور که گفته شد عامل این مشکلات جمعیت بیشتر نیست، بلکه سوء مدیریت است. ما در کشور باید سوء مدیریت خود را حل کنیم، نه اینکه جمعیت را کاهش دهیم. هیچ کشوری با کاهش جمعیت مسایل اقتصادی و اجتماعی اش را حل نکرده که ما دومی آن باشیم. آیا راه حل مسأله اشتغال کاهش جمعیت است؟! این در سیاستگذاری کدام کشور آمده است؟ اگر استفاده از تجربه سایر کشورها مبنا باشد، کدام کشور به دلیل جمعیت بالا مشکل بیکاری داشت و با کاهش جمعیت مشکل بیکاری اش حل شد؟!

اکنون کشورهای پیشرفته برنامه های جدی برای افزایش جمعیت پی می ریزند، اما این برنامه ها در قالب یک برنامه توسعه کلی است. مانند برنامه بلغارستان (National Demographic strategy of the republic of Bulgaria 2006-2020, 2006) و استرالیا (Department of Sustainability Env., Water, Pop, Com, 2011). مثلاً برنامه استرالیا کاملاً برنامه توسعه جمعیتی نام دارد. بنابراین همراه با افزایش جمعیت، برنامه توسعه را هم برای آن پیش بینی می کند. نه اینکه جمعیت خود را کاهش دهد تا مسایلش حل شود! یعنی عقب گرد نمی کند!

ما باید سیاست های افزایش جمعیت را به عنوان قطعه ای از پازل توسعه ببینیم، نه اینکه روند جمعیت را به خاطر سوء مدیریت خودمان کاهش بدهیم. جمعیت کم و با کیفیت، نتیجه ای است که از مقدمه اول(که ما جمعیت زیاد و بی کیفیت نمی خواهیم) گرفته می شود. در حالی که این نتیجه غلطی است، باید گفته شود ما جمعیت بالا و با کیفیت می خواهیم. توسعه بدون جمعیت امکان پذیر نیست!

**محور پنجم: ضرورت رسیدگی فوری به مسأله جمعیت**

**نقل قول:** *درست است. انجام این طرح مستلزم بودجه کلانی است. بنابراین با توجه به اینکه در حال حاضر وضعیت اقتصادی کشور در شرایط بحرانی است، باید سوال نمود که آیا این طرح توسط اقتصاددانان بررسی شده است؟ هزینه‌های هر ماده از طرح چقدر است؟ آیا با صرف هزینه‌ها به نتیجه مطلوب و مورد‌نظر دست می‌یابیم؟ اگر پاسخ به این سوالات منفی است، بهتر است در تصویب قانون تامل بیشتری داشته باشیم. طرح را برای ارزیابی به کارشناسان بسپاریم و سپس با اصلاح و تدوین طرح جامع و کامل آن‌را به تصویب برسانیم.*

*معمولا برنامه‌های جمعیتی در میان‌مدت جواب می‌دهند بنابراین اگر حتی یکسال دیگر هم صبر کنیم و برنامه درستی تدوین کنیم که هزینه کمتری در بر داشته باشد یا حتی اگر هزینه بر است در جهت صحیح و کارشناسی اجرا شود، برای کشور مفیدتر است.  همان‌گونه که گفتم نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که وضعیت جمعيت در کشور اورژانسی نیست و قرار نیست که سال‌های آینده بحران جمعیتی داشته باشیم. صبر و تامل قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران برای تدوین قانون جامع جمعیتی در کشور نه تنها لازم است بلکه وظیفه‌ای ملی است.*

**پاسخ:** اولاً مسأله فوریت دارد! از این جهت که اگر اکنون فکری نشود، سه دهه بعد، با جامعه ای سالخورده مواجه خواهیم شد. جمعیت، به اذعان خود استاد محترم امری نیست که سریع جواب دهد و لذا می بایست زودتر برای آن فکری کرد.

ثانیاً صبر و تأمل در هر کاری صحیح است! اما به قول کاهن (Kahn, 1969) که از متخصصان برنامه ریزی است، یکی از اصول برنامه ریزی، سرعت و عدم فوت وقت است! یعنی اگر استاد محترم می فرمایند این کاری که در حال انجام است، ناپخته و عجله ای است، خوب برای انجام صحیح و سنجیده کار زمانی تعیین کنند و بگویند که چقدر زمان لازم داریم تا برنامه ای سنجیده بیرون بیاید! و در این زمینه کمک کنند. و طبعاً زمان تدوین برنامه نباید اینقدر طول بکشد که اصل مسأله فوت شود.

**محور ششم: نباید حل مسأله جمعیت را به حل شدن مسأله ای بزرگتر واگذار کرد!**

**نقل قول:** *همان‌گونه که قبلا هم ذکر شد، برنامه‌های جمعیتی باید در جهت تامین نیازها و خواسته‌های مردم باشد. مردم تمایل به ازدواج و فرزندآوری دارند ولی به‌دلیل نا امنی اقتصادی ازدواج و فرزندآوری خود را به تاخیر انداخته‌اند. بخشی از کاهش باروری نیز به خاطر شرایط مقطعی و وضعیت بد اقتصادی حاضر است. دولت می‌تواند زمینه‌های رونق اقتصادی را فراهم کند و جوانان را در تشکیل خانواده حمایت کند و همین امر می‌تواند پایین بودن باروری را جبران كند.*

**پاسخ:** این هم حرف دقیق و درستی است که بخشی از مردم با حل مشکل اقتصادی فرزند بیشتر خواهند آورد. اما باید دقت نمود دچار خطای رایج سیاستگذاری در کشور نشویم که حل یک مشکل اجتماعی را به حل مشکلی هم اندازه یا بزرگتر از آن موکول کنیم و حل مسأله جمعیت را به حل مسأله اقتصاد که خود اگر سخت تر از اولی نباشد، آسان تر نیست موکول کنیم. مسأله جمعیت عوامل متعددی دارد از جمله اقتصاد. تغییر باورهای مردم همانطور که دکتر هم اشاره کردند نقش تعیین کننده ای دارد. بنابراین کارهای فرهنگی، به ویژه سبک زندگی، در این زمینه هم می تواند بخش قابل توجهی از مسأله را حل کند.

**منابع**

1. *آموزشگران دانشگاهي(كادر آموزشي) تمام‌وقت و پاره وقت دانشگاه‌ها و مراكز آموزش عالي برحسب جنس*. (1389). بازیابی از مرکز آمار ایران-سامانه سالنامه آماری: http://salnameh.sci.org.ir/TableShow/printversion.aspx
2. *پایگاه اطلاع رسانی حوزه*. (1386, فروردین و اردیبهشت). بازیابی از گفت و گو با دکتر ملک افضلی درباره برنامه کنترل جمعیت در کشور: http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/0/6661/78725
3. *پایگاه خبری بانکداری الکترونیک*. (1392, 09 05). بازیابی از http://ebinews.com/news/65056/نرخ-رشد-جمعیت-تا-۲۰-سال-دیگر-صفر-می‌شود
4. Department of Sustainability Env., Water, Pop, Com. (2011). *Sustainable Australia – Sustainable Communities;A Sustainable Population Strategy for Australia.* Retrieved from http://www.environment.gov.au/system/files/resources/6944262c-e3de-4b70-9e09-e3e75668ce63/files/population-strategy.pdf
5. Kahn, A. J. (1969). *Theory and Practice of Social Planning.* New York: Russell Sage Foundation.
6. *National Demographic strategy of the republic of Bulgaria 2006-2020.* (2006). Retrieved from http://www.mlsp.government.bg/bg/docs/demography/Dem.%20Strategy\_ENG.pdf
7. Population Division, D. (2004). *World Population to 2300.* New York: United Nations.
8. *Postsecondary Teachers*. (2014-15 Edition). Retrieved January 2014, from Bureau of Labor Statistics, U.S. Department of Labor, Occupational Outlook Handbook: , on the Internet at http://www.bls.gov/ooh/education-training-and-library/postsecondary-teachers.htm
9. Weimann, G. (1994). *The influentials: People who influence people.* Albany: State University of New York Press.

1. استادیار گروه برنامه ریزی اجتماعی و توسعه منطقه ای دانشگاه علامه طباطبایی(ره) [↑](#footnote-ref-1)